عرفه آمد و من باز مصفا نشدم، حاجی معتکف یوسف زهرا نشدم، همه گشتند سفید و دل من هست سیاه، باز هم شکرکه پیش همه رسوا نشدم
مطمئن باش ، حرفهایت هرچند تکراری باشد
یکی هست که به آنها گوش میدهد آن کسی نیست جز خدا

سلام بر عرفه که جانمان را به رایحه و خنکای نسیم نوازش می دهد . . .

آیا در رؤیاهایتان، سبکبالی و لذت پرواز روح را احساس کرده اید؟
عرفه، رؤیایی است که به حقیقت می پیوندد . . .

روز عرفه، بر عارفان حق، آنان که از خیمه وجود خویش بیرون می آیند
و با آتش شوق و اشتیاق وصال، به دعا و نیایش متوسل می شوند، خجسته باد.

اینک مواقف عرفات است بنگرش
طولش چو عرض جنت و صد عرش اکبرش
جبریل خاطب عرفات است روز حجّ
از صبح تیغ و از جبل الرحمه منبرش …

امدم تا عرفه معرفتم کمتر شد
خواستم پاک شوم پست شدم بدتر شد
امدم تا سر کویت به دو عالم ندهم
دادی ام دست خودم کار از این بدتر شد . . .
چه خوب شد عرفه دلبرم صدایـم کرد
خدا به خاطر ارباب این عطایـم کرد
به دامن جبل الرحمه پا به پای حبیب
به آستان رفیع دعا رهایـم کرد . . .

آه ای خیمه نشین عرفات
وارث خون قتیل العبرات
در کجایی که دلم بی تاب است
تشنه ام وصل تو جانم ناب است

در روز عرفه، دست های خود را به سوی آن بی نیاز بالا می بریم
و پیوسته دعا می کنیم: خدایا! غروب این روز را با غروب گناهانمان یکی گردان . . .

خدایا! آن‌گاه که جان ها و اندیشه ها از نسیم فرح‌بخش نام و یادت سرشار است،
بگذار در برکه عرفه، خود را از زنگار غفلت و معصیت شست‌وشو دهیم . . .

در زلال آفتاب نگاه خداوند، قنوت عشق را عاشقانه به زمزمه می نشینیم،
در روز عرفه که سجاده ای به وسعت هستی گسترده است . . .

روز عرفه، روز بی پیرایگی و آراستگی در عرفات خدا
و روز زمزمه رازمندی های حسین و روز برخورد اشک و لبخند است . . .

دل در جوشش ناب عرفه، وضو می گیرد و در صحرای تفتیده عرفات،
جاری می شود. آن جا که ایوان هزار نقش خداشناسی است . . .

روز عرفه ، روز نیایش و روز بارش چشم های خاکیان بر شما آسمانیان مبارک باد
روز عرفه، روزی است که در‌های آسمان را
برای پذیرش تضرع‌های عاشقانه‌ بندگان ذات اقدس الهر می‌گشایند . . .

روز عرفه، روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت
و اطاعت خود دعوت کرده و از آن سوی سفره جود خود را برای آنها گسترانیده است.